

## سعدی و تأثیر آثار و افکار وی بر برخی نویسندگان و شعرای فرانسوی

\* مهدی حیدری

دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)

### چکیده

بی‌شک سعدی از جمله شاعران ایرانی است که تأثیر بسیار زیادی در شعر و ادب سایر ملل گذاشته است. این تأثیر در کشور فرانسه و بر نویسندگان و شعرای این کشور بسیار محرزتر به نظر می‌رسد. وجود مضامین مشترک و شباهت‌های کلامی بین سعدی شیراز و بسیاری از این شعراء و نویسندگان نشانگر این امر است که بعد از ترجمه گلستان سعدی و مرادفات فرهنگی بین دو ملل تأثیرپذیری این دو ادبیات از هم بسیار زیاد است به خصوص از ناحیه فرانسویان و نویسندگان بزرگ این کشور. سعدی و آثار وی از قرن هفده تا قرن بیست به ترتیب در جریان‌های فکری فرانسه تأثیرگذار بوده است. در این مقاله، سعی شده است به طور مختصر این تأثیرپذیری از سوی نویسندگان فرانسوی از ولتر گرفته تا ژان کبس به تصویر کشیده شود و جنبه‌های مشترک بین آنان برای خواننده مشخص گردد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، گذر زمان، پوچی دنیا، ناپایداری جهان

### Sa'di and His Influence on French Poets and Writers

Mahdi Heidari

Assistant Professor, Department of French Language and Literature  
Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University (Central Tehran Branch)

#### Abstract

Sa'di is undoubtedly one of the most important Iranian poets who has influenced literature and poetry of the other nations to a great deal. He has remarkably influenced the French poets and writers. The similarity between the diction of Sa'di and that of most French poets and writers indicates that there has been a great cultural interaction between these two nations and that Iranian literature has had great impact on French literature. Sa'di and his works have influenced the French schools of thought in many aspects, from 17<sup>th</sup> century to 20<sup>th</sup> century. In this paper, we aim to reveal some traces of this influence on some French writers including Voltaire and Jean Kebbs while trying to show the readers some common aspects between them.

Keywords: Comparative Literature, Passage of Time, Absurdity of the World, Instability of the World

### مقدمه

از زمان آشنایی فرانسویان با فرهنگ و ادب ایران زمین، نزدیک به چهار قرن می‌گذرد. این امر از قرن هفده بیشتر نمایان گشت. حضور فرانسویان در ایران و یادگیری و آشنایی با زبان فارسی نقش به‌سزایی در ترویج زبان فارسی در میان فرانسویان داشت. به دنبال این تماس‌ها، گلستان سعدی در سال 1634 میلادی به زبان فرانسه ترجمه گردید. به دنبال ترجمه این شاهکار ادبی در قرون هفدهم و هجدهم، یعنی در عصر کلاسیک‌ها و در عصر روشنگری به خصوص جنبه‌های انتقادی و اخلاقی گلستان بود که ستایش داستان‌سرایان را برمی‌انگیخت. اما باید دید آیا رابطه بین سعدی و این نویسندگان وجود داشته است و آیا نویسندگان و شعرای فرانسوی از این شاعر بزرگ و نامی تأثیر پذیرفته‌اند و این تأثیرپذیری تا چه حد بوده است؟ مسلماً حد و اندازه آن بسیار فراگیر و گسترده می‌باشد ولی در نزد نویسندگان فرانسوی به خصوص از قرن 18 و در نزد ولتر، ما شاهد این تأثیرپذیری می‌باشیم و این امر تا به قرن بیست استمرار و دوام دارد. این فلاسفه و به خصوص ولتر در آثار ترجمه شده سعدی چیزی شبیه به آن‌چه خود به دنبالش بودند را می‌دیدند. در این دوران و در عصر روشنگری ولتر از جمله نویسندگانی بود که سخت تحت تأثیر افکار سعدی شیراز قرار گرفت. توجه ولتر به تاریخ کشورهای آسیایی و به خصوص تاریخ کشورهای اسلامی و از جمله ایران و ادبیات فارسی و آثاری چون گلستان سعدی و هزار و یک شب، داستان‌های بسیاری را به او الهام بخشید. ما ولتر را به عنوان نویسنده‌ای منتقد و بدبین می‌شناسیم. بدبینی ولتر به همه چیز اثری بزرگ و فلسفی تحت عنوان زادیگ<sup>1</sup> یا همان صادق را به او الهام بخشید. نوع گفتار ولتر در این اثر نشانگر همبستگی فکری بین ولتر و سعدی می‌باشد. در داستان صادق شاهد اعتقاد ولتر به یک مدنیت مبتنی بر خرد هستیم. زندگی پر از رنج و درد ولتر و حسادت‌ها و دو رویی‌های خلق او را به آن‌جا کشاند که همچون سعدی کنج عزلت را انتخاب کند و جاه و جلال را فراموش نماید. زادیگ (صادق) یعنی آن کس که حقیقت را می‌گوید مسلماً خود ولتر است. در این اثر ولتر جلفی زنان، حماقت مردان، فساد قضات، پستی درباریان، نادانی و بی‌خردی شاهزاده‌ها، تعصب مذهبی کشیشان را افشا می‌کند. او نیز همچون سعدی ما نویسنده‌ای است که نه تنها شاهان بی‌ثبات را ستایش نکرد بلکه به انتقاد از آنان پرداخته است. او همواره همچون سعدی اعتقاد داشته است که «مصلحت آن بینم که ملک قناعت را حراست کنی و ترک ریاست گویی» یا

---

1- Zadig

آن شنیدستی که در اقصای غور  
بار سالاری بیفتاد از ستور  
گفت چشم تنگ دنیا دوست را  
یا قناعت پر کند یا خاک گور  
(گلستان، باب سوم در فضیلت قناعت: 113)

باز سعدی در یکی از حکایت‌های خود این‌گونه می‌گوید:  
«درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می‌سوخت و رقعہ بر خرقة همی دوخت و تسکین  
خاطر مسکین را همی گفت:

به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلخ  
که بار محنت خود به که بار منت خلق»  
(همان: 104)

ولتر به کرات سعدی شیراز را ستایش کرده است و انتساب داستان صادق به جهت  
محتوی و مضمون‌های موجود در آن به او نشانه‌ای از این همبستگی عمیق فکری می‌باشد.  
بعد از دوران روشنگری، در عصر رمانتیک‌ها جنبه‌های احساسی و توصیفی گلستان مورد  
توجه فرانسویان قرار گرفت و آنان به انتشار ترجمه‌های جدیدی از آن پرداختند. احساسی از  
این جهت که عصر انقلاب بود و عصر شور و هیجان و جوش و خروش، عصری که به  
رمانتیسیم می‌پیوست. در این دوران که نهضت شرق‌شناسی شکل گرفته بود و بر فرهنگ و  
ادب نه تنها فرانسه بلکه اروپا تأثیر گذاشت، ویکتور هوگو تحت تأثیر ایران و شاعران آن به  
خصوص سعدی مجموعه «شرقیات»<sup>2</sup> را ارائه می‌دهد و با مطالعه آن تقریباً شاهد مضامینی  
هستیم که در نزد سعدی نیز به وضوح پیداست. هوگو در این مجموعه مضامینی همچون  
ناپایداری جهان، گذر عمر، پوچی قدرت‌ها و آرزوها را حکایت می‌کند. در «قطعه‌های مار»<sup>3</sup>  
به روشنی از این مضامین سخن رانده است. مضامینی که سعدی شیراز از آن‌ها در گلستان به  
وفور سخن گفته است

«گفتم گل بستان را، چنان که دانی، بقایی و عهد گلستان را وفایی نباشد  
و حکما گفته‌اند هر چه نباید دل بستگی را نشاید» (فروغی 1384: 298).

در مجموعه شرقیات هوگو در بخشی این‌گونه می‌گوید:  
«شک دارم که آیا شب است.

گوش فرا می‌دهم: همه چیز می‌گریزد. همه چیز می‌گریزد...» (Henri 1996: 94).

2 - Les orientales

3 - Les Tronçons du serpent

و یا سعدی می گوید:

«دمی چند گفتم بر آرم به کام  
دریغا که بر خوان الوان عمر  
دریغا که بگرفت راه نفس  
دمی خورده بودیم و گفتند: بس»  
(گلستان، باب ششم، در ضعف و پیری: 149)

و باز سعدی می نویسد:

«باد است غرور زندگانی  
دریاب دمی که می توانی  
برقست لوامع جوانی  
بشتاب که عمر در شتابست.»  
و چقدر زیبا محمدهاشم افسر شاعر معاصر در این بیت این وسوسه فکری سعدی و ولتر و بسیاری از نویسندگان و شعرای این چنینی را بیان کرده است.  
«این کاخ که می باشد گاه از تو و گاه از من

جاوید نخواهد ماند خواه از تو و خواه از من»  
(محمدی 1372: 226)

جدای از مجموعه شرقیات در مجموعه «برگ های پاییزی»<sup>4</sup> هوگو شاهد تقریباً مضمایی شبیه به آنچه در گلستان آمده است هستیم. این مجموعه دیدگاه شاعر را نسبت به حیات نشان می دهد. نگاهی افسرده و تسلیم آمیز. این اثر یادی است از محیط خانواده، از پدر و مادر و از روزگاری که دیگر آن را بازگشتی نیست.

هوگو در برگ های پاییزی در جایی این چنین می گوید:  
«خورشید امشب در میان ابرها آرمیده است  
فردا طوفان خواهد شد و شامگاه و شب فرا خواهد رسید  
و آنگاه صبح و روشنایی مه آلود آن

و باز شبها و روزها، دیگر وقتی نیست که حتی بگریزد» (Itinéraires Littéraires: 249).

گریز زمان و نوستالژی گذشته شاعر را رنج می دهد. سعدی خود نیز این گونه می گوید:

«بدین امید بسر شد دریغ عمر عزیز  
که آن چه در دلم است از درم فراز آید

امید بسته بر آمد ولی چه فایده زانک امید نیست که عمر گذشته باز آید»  
(گلستان: 50)

همراه با ویکتور هوگو شاعر رمانتیک، آلفرد دو موسه نیز از جمله نویسندگان و شاعرانی بود که تحت تأثیر افکار و آثار سعدی قرار گرفت.

«سرگذشت سار سفید»<sup>5</sup> یکی از داستان‌های زیبای موسه است که در آن نویسنده به گونه‌ای استعاری از سرگذشت خود سخن می‌گوید: از بی‌مهری نویسنده بزرگ ژرژسان و این که علت عزلت‌نشینی او چه بوده است. در جایی از این داستان اشاره او به سعدی شیراز تأثیرپذیری او را از شاعر ما نشان می‌دهد. آن‌جا که بلبل پس از گوش فرا دادن به درد دل سار این چنین می‌گوید:

«من عاشق گل هستم. سعدی شیراز داستان مرا باز گفته است.

من هم شب به سودای گل نغمه سر می‌دهم ولی او به خوابی خوش فرو می‌رود»  
(حدیدی 1373: 301).

در آثار موسه شاهد مضامین غمناک هستیم: احساس گریز زمان، درد عشق و رنج. آن‌جا که می‌گوید:

«بعد از آن که رنج کشیدیم دوباره رنج می‌کشیم

باید مدام دوست بداریم بعد از آن که دوست داشتیم»  
(Mitterand 1996: 74)

و این عبارتها نشأت گرفته از تفکرات خاص شاعر فرانسوی می‌باشد. در این چارچوب سعدی شیراز بسیار به شاعر الهام بخشیده است. همراه با شعرای رمانتیک و بیان سوز و گداز عاشقانه آن و باز گفتن راز عشق و تأثیرپذیری آنان از سعدی، شعرای دیگر از سایر مکاتب همچون هنر برای هنر وجود دارند که در سروده‌هایشان رایحه‌ای از اشعار سعدی دیده می‌شود. لوکنت دولیل رهبر مکتب پاراناس علی‌رغم اشعار عاری از احساس خود در «گل‌های اصفهان» همچون سعدی در گلستان و بوستان این‌گونه می‌نویسد:

«نفس مشک فشان تو ای لیلائی سپید گون از عطر گل‌های اصفهان  
و غنچه‌های لب فرو بسته و... پر طراوت‌تر است» (حدیدی 1373: 303).

سعدی نیز در یکی از قصاید خود در وصف بهار این‌گونه می‌نویسد:

«بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار  
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار  
صوفی از صومعه گو خیمه بزن بر گلزار  
که نه وقتست که در خانه بختی بیکار» (گلستان: 839).

از جمله نویسندگان دیگری که از سعدی تأثیر پذیرفت اوژن مانوئل از داستان‌سرایان قرن نوزدهم است که در مجموعه داستان‌هایی به نام «اشعار خانه و مدرسه»<sup>6</sup> از سعدی الهام گرفته است. در قطعه نیایش وی شاهد تفسیری بر این حکایت از سعدی هستیم، آن‌جا که در حکایت هفتم از باب دوم گلستان می‌گوید:

«یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودم و شب خیز و مولع زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر رحمه‌الله علیه نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفت جان پدر تو نیز اگر بختی به از آن‌که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشان را  
که دارد پرده پندار در پیش  
گرت چشم خدا بینی ببخشد

نبینی هیچ کس عاجز تر از خویش» (گلستان: 78)

در قرن بیست و در ابتدای آن موریس بارس نیز تحت تأثیر سعدی قرار داشت. این نویسنده دارای گرایش‌های رمانتیک و احساسات وطن‌پرستانه بود. او همچون بسیاری از نویسندگان و شاعران رؤیای رسیدن به خوشبختی را در سر می‌پروراند. برای رسیدن به این خوشبختی تنهایی را پیشه می‌گیرد ولی نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. بعد از فراز و نشیب‌های فراوان به تر خاصی روی می‌آورد و آن را در کتاب معروف «بی‌ریشه‌ها»<sup>7</sup> عنوان می‌کند. آن‌جا که لزوم ریشه داشتن در سنت‌ها را بیان می‌کند. از نظر موریس بارس این امر تضمینی بر احترام به اخلاقیات و ارزش‌های ملی است، جنبه‌ای که سعدی نیز در آثار خویش به آن اشاره کرده است:

6 - Poésie du foyer et de l'école

7 - Les déracinés

«آیا بیوگرافی او را (این درخت را) حس می‌کنید؟ من آن را در تنه قوی و غول پیکرش و در هریک از شاخ و برگ‌هایش که به‌وجود می‌آیند تشخیص می‌دهم. این درخت تصویری گویا از یک حیات زیباست. در وجود این درخت از بی‌حرکتی و سکون خبری نیست. نیروی جوان خلاقش از آن‌جا سرنوشت او را ترسیم می‌کرد و همواره در وجودش در حرکت بود. آیا می‌توانم بگویم، این نیروی واقعی اوست؟ «... در ابتدا در دل زمین، در رطوبت ملایم آن و در تاریکی و زیرزمین بوده است که این جوانه شایستگی استفاده از نور خورشید را پیدا کرده و این نور است که اجازه داده تا این ساقه شکننده و ضعیف رشد کرده و قوی گردد...» (Itinéraires Littéraires: 249).

بارس عشق بی‌حد و اندازه‌ای به ایران داشت در کتاب «تحقیقی در کشورهای مشرق زمین»<sup>8</sup> می‌نویسد:

«هنوز هم من گل سرخ را بسیار دوست دارم. زیرا از شیراز آمده است»

همراه با بارس، گی یودوسه به واسطه ترجمه‌های متعدد گلستان و بوستان در قرن بیست با افکار سعدی آشنا می‌شود. ارزش‌های اخلاقی، نکته‌سنجی و ظرافت طبع سعدی بر او تأثیر زیادی داشته است. تأثیر وی به حدی بوده است که گی یودوسه در اشعار خود از واژه‌هایی همچون بلبل استفاده کرده است و گاه عین عبارات را از خود سعدی به عاریت گرفته است. مثل این دو بیت در خصوص گل و بلبل:

Et c'est la voix du ciel et la voix de la terre.  
Qui se mêlent. Bulbul pourquoi se taire?

یا داستان توانگری که دختر زشت روی داشت و او را به نابینایی شوهر داد. در حکایت 44 از باب دوم گلستان آمده است:

«آورده‌اند که فقیه‌ی دختر داشت بغایت زشت. به جای زنان رسیده و با وجود جهاز و نعمت کسی در منااحت او رغبت نمی‌نمود. فی‌الجمله به حکم ضرورت عقد نکاحش با ضریری بستند. آورده‌اند که حکیمی در آن تاریخ از سر ندیب آمده بود که دیده نابینا روشن همی کرد. فقیه را گفتند داماد را چرا علاج نکنی. گفت ترسم که بینا شود و دخترم را طلاق دهد. شوی زن زشت روی نابینا به»

ژان کبس همچون سعدی ما می‌خواست بعد از سپری کردن سال‌های جوانی گلستانی بسازد. در مجموعه «گل‌های شب» آن‌جا که می‌گوید:

«من نیز روزگار جوانی سپری کرده‌ام  
گل‌های برگرفته از بهار زندگی و فروزان و روشنایی  
شب‌های بیداری، شاید به جاودانگی دست یابم»  
سعدی می‌گوید:

هر دم از عمر می‌رود نفسی      چون نگه می‌کنی نماند بسی  
ای که پنجاه رفت و در خوابی      مگر این پنج روز دریابی

### نتیجه‌گیری

علاوه بر این نویسندگان و شعرا، شخصیت‌های ادبی فراوانی وجود دارند که تحت‌تأثیر آثار و افکار سعدی قرار داشتند. آنچه که واضح و مبرهن است این است که این تأثیرپذیری به واسطه فرهنگ و ادب غنی ایران زمین می‌باشد و در اروپا و فرانسه ارزش و اهمیت این ادبیات به حدی بوده است که جملگی این نویسندگان و شعرا در مقابل سعدی‌ها و حافظ‌ها سر تعظیم فرود آورده و از آثار آنان الهام گرفتند. سعدی و آثار او و به خصوص گلستان از قرن هفدهم و هجدهم چنان فرانسویان را همچون عطر دلاویز سرمست می‌کرد که در ادامه و در قرون آتی ستایش فرانسویان را برانگیخت. از جنبه‌های انتقادی و اخلاقی مؤثر در آثار فلاسفه گرفته تا جنبه‌های توصیفی رمانتیک‌ها همگی به نوعی از سعدی نکاتی را به عاریت گرفته‌اند و این تأثیرپذیری به حدی است که یکی از رهبران فرانسه نام سعدی بر خود نهاد. این جاذبه در قرن بیستم نیز ادامه یافت و نویسندگانی همچون بارس و آراگون نیز به پیروی از او داستان‌ها ساختند.

### منابع:

حدیدی، جواد. 1373. *از سعدی تا آراگون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

فروغی، محمدعلی. 1384. *کلیات سعدی*. تهران: انتشارات فارابی.

محمدی، حسنعلی. 1372. *از بهار تا شهریار*. تهران: انتشارات ارغنون.

Itinéraires Littéraires. 1988. Paris: Hatier.

Mitterand, Henri. 1996. *XIXe siècle, XXe siècle*. Nathan.

Echelard, Michel. 1984. *Histoire de la littérature en France au XIXe siècle*. Paris: Hatier.